

۶۰

نیمهٔ پنهان

جلد شصتم

حامد مان سلطه

واکاوی سانسور در براتی طبوعات عصر پهلوی

پروین نخعی مقدم

دفتر پژوهشهای مؤسسه کیهان



عنوان و نام پدیدآور : خادمان سلطه: واکاوی سانسور در برخی مطبوعات عصر پهلوی/

پروین نخعی مقدم؛ دفتر پژوهشهای مؤسسه کیهان

تهران: شرکت انتشارات کیهان، ۱۳۹۶.

۲۰۴ ص.

نیمه پنهان؛ جلد شصت.

شابک : 978-964-458-337-7 ۱۳۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا

سانسور-- ایران-- تاریخ-- ۱۳۲۰-۱۳۵۷ :

Censorship-- Iran-- History-- 1941 - 1978 :

مطبوعات و سیاست-- ایران-- تاریخ-- قرن ۱۴ :

Press and Politics-- Iran-- History-- 20th century :

مطبوعات-- ایران-- تاریخ-- قرن ۱۴ :

Iran-- History-- 20th century Press :

ایران-- تاریخ-- پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷-- مطبوعات.

Iran-- History-- Pahlavi, 1925 - 1978 -- Press :

مؤسسه کیهان، دفتر پژوهشها

شرکت انتشارات کیهان

ردده‌بندی کنگره : DSR ۱۴۷۴ / ۵ / خ ۲۰۹۶

ردده‌بندی دیویی : ۹۵۸ / ۰۸

شماره کتابشناسی ملی : ۶۶۹ / ۴۶

ISBN: 978-964-458-337-7

شابک: ۷-۳۳۷-۴۵۸-۹۶۴-۹۷۸

نیمه پنهان ۶۰

خادمان سلطه (واکاوی سانسور در برخی مطبوعات عصر پهلوی)

پروین نخعی مقدم

شرکت انتشارات کیهان

فروردین ۱۴۰۰ - (۱۱۰۰ نسخه)

رقم - (۲۰۴ صفحه)

۱۳۰۰۰۰ تومان

نام کتاب:

مؤلف:

ناشر:

چاپ اول:

قطع:

قیمت:



حق چاپ برای انتشارات کیهان محفوظ است.

تهران - خیابان فردوسی، کوچه شهید شاهچراغی، مؤسسه کیهان

تلفن پخش ۳۳۱۱۰۲۰۱

پست الکترونیک: entesharat@kayhannews.ir

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۳	مروری کوتاه بر پیشینه مطبوعات
۱۷	رواج تعلق و چالوس در شیوعات
۴۵	اجازه هست؟
۴۶	آن چه ساواک می‌خواست
۶۳	فرصت طلبی ۲۰، اخلاق صفر
۶۸	دولتمردان حمایت می‌کنند
۸۱	بندگان درهم و دینار
۸۹	برخی باج بگیران مطبوعاتی
۹۷	دست نوشته‌های ساواک در نشریات منتقد
۱۰۲	شیوه‌های مخالف‌خوانی
۱۱۳	ورود ممنوع!
۱۱۶	بایدها و نبایدها
۱۲۳	خط قرمزهای نفتی
۱۲۴	مسائل اجتماعی ممنوع!
۱۲۹	ترویج فرهنگ فمینیستی غرب

۱۳۱	 جریان‌سازی بر ضد روحانیت
۱۳۳	 تلاش برای تخریب شخصیت امام (ره)
۱۳۷	 آزادی قلم و قلم‌های واقعاً آزاد!
۱۴۴	 بایگانی شود!
۱۵۵	 پاداش شاهانه
۱۶۰	 تشکیلات قلمی فراماسونرها
۱۶۳	 جادو صاف‌کن‌های رژیم اشغالگر
۱۷۲	 حرف آخر
۱۷۵	 اسناد و تصاویر

www.ketab.ir

پاشنگفتار

نخستین مفهومی که کلمه «سانسور» به ذهن متبادر می‌سازد، بریدن کوتاه کردن و در نهایت حذف قسمت‌هایی از یک اثر مکتوب یا صوتی است. تصور رایج است که بدون رضایت صاحب اثر و از سر اجبار یا اعمال سلیقه و یا براساس قانون صورت می‌گیرد. سانسور معمولاً در حکومت‌های استبدادی و استعماری بیش از هر کشور دیگری اعمال می‌شود. در این نهادهای حکومتی قوانین دشواری در مورد نحوه فعالیت رسانه‌های نوشتاری یا تصویری و همچنین سایر بخش‌های عرضه فرهنگ و اندیشه وضع می‌شود که جاذب‌های بسیار تنگی برای ابراز عقیده در هر شکل و شمایل ایجاد می‌کند. علاوه بر آن، نهادهایی مامور می‌شوند تا بر نحوه رعایت قوانین فوق نظارت کنند که غالباً این نظارت به دخالت‌های سلیقه‌ای می‌انجامد.

این نوع از سانسور در تاریخ معاصر ایران از دوران رضاخان و دستگاه وحشت‌انگیز تفتیش عقاید رضاخانی گرفته تا حکومت پهلوی دوم و حاکمیت بلامنازع ساواک بر رسانه‌ها بویژه نشریات، شکل وحشتناکی از خودسانسوری در میان اهالی مطبوعات به وجود آورد. تابوهای بسیاری در ذهن آنها شکل گرفت و از هراس این تابوها، پیش از آنکه بخشنامه و دستورالعملی صادر شود، خود اقدام به

سانسور مطالب نویسندگان هایشان کردند.

اما نوع دیگری از سانسور وجود دارد که بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از گونه‌ای است که درباره‌اش سخن گفته شد. نوعی سانسور پنهان که از قضا در زیر لوای مبارزه با سانسور پدید آمده و واقعیات بسیار کلا، تر و تاثیرگذارتری را در زیر حواشی بی‌اهمیت یا وارونه‌نمایی و احیاناً اتهامات و برچسب‌زنی‌های بی‌پایه و اساس (با سوءاستفاده از ناآگاهی و اطلاع‌اندک مخاطبان) مخفی ساخته و حتی دفن می‌کند. طرفه آنکه این نوع سانسور به طور مستقیم معمولاً از سوی رژیم‌های استبدادی و وسیع نمی‌شود، بلکه از سوی کانون‌های شناخته شده استعماری به افرا و سازمان‌های رسانه‌ای داخلی (که از سوی همان رژیم استبدادی به وجود آمده‌اند) دیکته می‌شود. موسسات چاپ و نشری مانند «مرکز نشر فکراین»، «مرکز ترجمه و نشر کتاب» و موسساتی مانند امیرکبیر و خوارزمی و برخی مراکز دیگر در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به ریت داشتند تا این نوع سانسور به اصطلاح فرامتنی را در سطح جامعه مطبوعاتی و فضای نشر کشور اعمال نمایند.

نوع دیگری از سانسور را امروزه به وضوح می‌توان در عملکرد غول‌های رسانه‌ای حاکم بر دنیا مشاهده نمود که به سهولت از بارتاب تکان‌دهنده‌ترین اخبار و گزارشات می‌گذرند و یا در صورت لزوم به معکوس‌نمایی آن می‌پردازند ولی در مقابل با بزرگ‌نمایی رخدادهای کاذب و گاه بی‌اهمیت، مخاطب خویش را به سمت و سویی که صاحبان سلطه می‌خواهند، روانه می‌سازند.

بدین ترتیب بسته به منافع سلطه‌گران و سرمایه‌داران بین‌المللی، بعضی خبرها در بوق‌های تبلیغاتی قرار می‌گیرد و بعضی دیگر به طور

کلی سانسور شده و به اصطلاح در بایکوت خبری قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، کشتار فجیع مردم بی‌گناه یمن و سوریه و افغانستان با بمب‌های آمریکایی و هواپیماهای سعودی بایکوت خبری می‌شود اما مرگ تعدادی سگ ولگرد خیابانی به خبر اول رسانه‌ها تبدیل می‌شود. یا تجمعی چند ده نفره علیه یک حکم اسلامی مورد پره‌پاگاندای تبلیغاتی همان رسانه‌های وابسته واقع می‌شود اما دایمی ۲۰ میلیونی اربعین حسینی از نجف به کربلا، سانسور می‌شود؛ همچنین همزمان با اعلام موجودیت حزب رستاخیز شاه در سال ۱۳۶۳ پس از ۶۰ نشریه و روزنامه طی یک دستور به طور فله‌ای تعطیل می‌شوند و در چکترین صدایی از هیچ‌یک از مجامع جهانی اعم از حقوق بشر و فرنگی و سیاسی بر نمی‌خیزد، ولی در مقابل تعطیلی یک جریده آن هم برای دادگاه مطبوعات در دوران حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، سی و ارباب امور خارجه ایالات متحده و کشورهای اروپایی به میدان آمد و این تعطیلی یا توقیف چند ماهه یک نشریه را محکوم می‌کنند!

این نوع سانسور تنها منحصر به غول‌های رسانه‌ای و دولت‌های امپریالیستی و استکباری نیست و بنا به شرایط و موقعیت، در داخل کشورهایی که رژیم استبدادی و وابسته بر آنها بر حاکم است. یا درون جوامع رسانه‌ای کشورهای مستقل رسوخ داده می‌شود. چنان‌که در طول تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر که مردم کشور ما در بحبوحه مبارزه با مستبدین و استعمارگران بودند، به وضوح این شکل پنهان سانسور را تجربه نموده‌اند. امروز پس از گذشت سال‌های طولانی، با تکیه بر اسناد و شواهد منتشر شده و معتبر می‌توان در مورد واقعیت آنها بسیار گفت و نوشت.

انتشار بخش کوچکی از اسناد دوران حکومت پهلوی و چاپ مجموعه آنها توسط «مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات» باعث شد از منظری دیگر به بخشی از مقوله سانسور در دوران حکومت پهلوی پردازیم و براساس اسناد و شواهد معتبر تاریخی آن را در چند نوع و شکل، مورد بررسی و پژوهش قرار دهیم.

۱- سانسور رایج و تعریف شده‌ای که گفته شد در حکومت‌های استبدادی، وابسته به بیگانه، در آشکارترین شکل اعمال می‌شد و بخش‌های و یا کل یک مطلب را حذف کرده یا اساساً خود نشریه مربوطه را تعلیل می‌نمود. فی‌المثل در زمان رضاخان، این نوع سانسور، دست‌کم و تحلیلات رسمی مربوط به خود را داشت که با عنوان «اداره راهنمای نام‌نگاری»، نویسندگان درباری مانند علی دشتی، عبدالرحمن فرامرزی، حسن علی مستعان و علی اصغر شمیم عضو آن بودند.

۲- انتصاب افراد یا حمایت از عناصر، گروه‌ها و یا موسسات و سازمان‌هایی گوش به فرمان در قالب مدیران و سردبیران و نویسندگان مطبوعات به اصطلاح فرمایشی که اوامر رژیم و ارکان سیاسی و سرویس‌های امنیتی و نظامی آن را اجرا نموده و در واقع بنا بر فرموده عمل می‌کردند. در رژیم پهلوی که حکومتی وابسته به امپریالیسم جهانی محسوب می‌شد، بعضاً این نشریات و افراد متولی آن از طریق ارتباط با محافل استکباری و بیگانه به صحنه می‌آمدند و روابط آشکار و پنهانی با محافل فوق داشتند.

به طور مثال افرادی مانند «مجید دوامی» (سردبیر زن روز)، «امیرشاپور زندنیا» (عضو ارشد روزنامه حزب رستاخیز)، جواد علامیر دلو (سردبیر هفته‌نامه مستهجن این هفته)، امیر طاهری

(سردبیر روزنامه کیهان)، داریوش همایون (بانی و موسس روزنامه اسرائیلی آیندگان) علیرضا نوری‌زاده (دبیر سرویس سیاسی روزنامه اطلاعات) و... براساس اسنادی که از لانه جاسوسی آمریکا افشا شده و انتشار یافته، همگی در سفارت آمریکا کد رمز داشته و در ارتباط با این سفارت و محافل اطلاعاتی و امنیتی خارجی، مطبوعات ایران را در طول خود داشته و آنگونه که دستور می‌گرفتند، این مطبوعات را در جهت منافع نظام سلطه جهانی، هدایت می‌کردند.^(۱) این شدیدترین سانسوری بود که بر مطبوعات و جامعه رسانه‌ای ایران حاکم بود. همان سانسوری که نشریات را از نوشتن درباره کاپیتولاسیون یا تمام رده‌داری نوین آمریکا باز می‌داشت. همان سانسوری که گفت: نوشتن علیه اسرائیل را در جراید و بر روی منابر ماه محرم سال ۱۳۴۲ منع می‌کرد، همان سانسوری که عقاید و باورهای دینی و ملی را در معرض خرد می‌نمود.

۳- تأسیس و راه‌اندازی انتشارات و موسساتی مانند علمی فرهنگی، انتشارات فرانکلین، کانون، پیرش فکری، خوارزمی از طرف فرح دیبا و رضا قطبی و شرکت سهامی کتاب‌های جیبی که خود به خود، سانسور بخش‌های مهمی از حقایق و راینیات جامعه را برعهده گرفته بودند و به جای آن، به ترویج باورهای ایدئولوژی‌هایی می‌پرداختند که هیچ‌گونه ارتباطی با جامعه ایران نداشتند. مطبوعات سینمایی نیز از جمله همین نشریات بودند که از نخستین روزهای تولید فیلم در ایران (دوران رضاخان) پا به عرصه رسانه‌های مکتوب و حیطه مطبوعاتی این سرزمین نهادند و بنابر

۱- برای آشنایی بیشتر با نقش برخی «روزنامه‌نگاران جاسوس» به جلد ۱۷ از مجموعه کتاب‌های «نیمه پنهان» تألیف دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان رجوع کنید.

همان ماموریتی که سینمای وارداتی برای زدودن باورها و اعتقادات دینی و فرهنگ ملی مردم داشت، این نشریات نیز با القای ارزش‌ها و فرهنگ و سبک زندگی غربی، در واقع سبک زندگی ایرانی اسلامی و فرهنگ و ارزش‌های آن را سانسور می‌کردند.

این همان نوع سانسوری است که طبقه شبه روشنفکر به فرموده اربابان غربی خود، از اوایل دوران قاجار برعهده گرفتند و در دوران پهلوی به اوج خود رساندند تا هویت این ملت را دگرگون ساخته و به همان رنگ و بوی غربی درآورند که اربابان می‌خواهند. اگرچه سبک و سیاق آن سه روشنگران در سال‌های پس از انقلاب در رسانه‌های مختلف نوشتاری و تصویری تا همین امروز ادامه یافت اما به خواست خدا و بنا بر اعتقاد این و باورهای محکم اسلامی این مردم، آنچه از کانون‌های استعماری و وابسته به این سرزمین طراحی شده بود، محقق نشد و اغلب تیرهای آهن به سنگ خورد اگرچه آنها ناامید نشده و همچنان شدیدتر و مستقیم‌تر مشغول فعالیت هستند!

اما آنچه در این کتاب می‌خوانید بخش کوچکی از تاریخ ناگفته و نانوشته دوران پهلوی است که بسیاری از فجایع و مصیبت‌های آن، هنوز در لابلای اسناد و مدارک و گفته‌های شاهدان عینی باقی مانده و عیان نشده است. امیدواریم که این کتاب حداقل فتح باب باشد بر تحقیقات و پژوهش‌های عمیق‌تر و گسترده‌تر درباره خیانت‌ها و جنایاتی که پهلوی‌ها و اعوان و انصارشان در حق مردم این سرزمین انجام دادند. جنایات و خیانت‌هایی که آثارش پس از گذشت ۳۷ سال از اضمحلال آن سلسله، هنوز در فرهنگ و سبک زندگی بخشی از قشر متوسط و مرفه مردم، باقی مانده است.

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان